



بسم الله الرحمن الرحيم

مثل همه‌ی اربعینهای دیگر، امروز شما جوانان عزیز این حسینیه را با حضور خودتان، با احساسات پاک خودتان، نورانی کردید؛ از همه‌ی شما تشکر میکنم به خاطر حضورتان و برنامه‌ای که بحمدالله به بهترین وجهی انجام گرفت. برنامه‌ها بسیار خوب بود، سرود خوب بود، تلاوت قرآن خوب بود، زیارتی که خواندند بسیار خوب بود، منبر بسیار خوب بود، برنامه‌ی آقای مطیعی (۱) بسیار خوب بود؛ بحمدالله همه‌ی برنامه‌هایی که شما اینجا اجرا کردید، برنامه‌های پرمغز، پرمعنا و آموزنده‌ای بود.

در زیارت عاشورا، شما به امام حسین (علیه السلام) عرض میکنید: یا ابا عبد الله ائی سلیم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القيامة. (۲) «الی یوم القيامة» یعنی چه؟ یعنی این کارزار میان جبهه‌ی حسینی و جبهه‌ی یزیدی تمام‌نشده است؛ این کارزار ادامه دارد. جبهه‌ی حسینی خودش را معرفی کرده؛ امام حسین (علیه السلام)، در همین سفر کربلا، در چند جا مشخص کرده که حرفش چیست، هدفش چیست. فرمود: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال من رأى سلطاناً جائراً؛ مسئله، مسئله‌ی ظلم است، مسئله‌ی جور است. مستحلاً لحرم الله ناکثاً لعهد الله... یعمل فی عباد الله بالجور و العدوان؛ (۳) مسئله این است. این جبهه‌ی حسینی است که در مقابله‌ی با ظلم فعالیت میکند و جهاد میکند. نقطه‌ی مقابلش هم جبهه‌ی جور است، جبهه‌ی ظلم است، جبهه‌ی شکستن عهد الهی است.

امروز شما در دنیا این را می‌بینید، قبل از دوران امام حسین (علیه السلام) هم این دوجبهه‌ای وجود داشت، در زمان بعد از ایشان هم وجود داشته، امروز هم وجود دارد، تا آخر هم وجود خواهد داشت. در همه‌ی اینها «ائی سلیم لمن سالمکم»؛ با هر کسی که در جبهه‌ی شما است، من خوبم؛ «حرب لمن حاربکم»، با هر کسی که با جبهه‌ی شما می‌جنگد، می‌جنگم. این جنگ اشکال مختلفی دارد: در دوران شمشیر و نیزه یک جور است، در دوران اتم و هوش مصنوعی و امثال اینها یک جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران تبلیغات به وسیله‌ی شعر و قصیده و حدیث و بیان کلمات یک جور است، در دوران اینترنت و کوانتوم و امثال اینها هم یک جور دیگر است، ولی هست؛ در دوران دانشجو بودن انسان یک جور است، در دوران مدیر شدن و مسئول شدن یک جور دیگر است؛ در همه‌ی احوال هست. «حرب لمن حاربکم» نباید فراموش بشود. «حرب لمن حاربکم» همیشه به معنای تفنگ به دست گرفتن نیست؛ به معنای درست اندیشیدن، درست سخن گفتن، درست شناسایی کردن، دقیق به هدف زدن است؛ «حرب لمن حاربکم» این جوری است. بدانید وظیفه چیست، بشناسید راهی را که باید پیمایید. اگر این جور فکر کردیم، این جور شناسایی کردیم، این جور همّت کردیم، زندگی معنا پیدا میکند، زندگی هدف پیدا میکند. پول لایق این نیست که هدف زندگی باشد؛ مقام و قدرت و موقعیتهای اجتماعی حقیرتر از آن هستند که هدف زندگی انسان قرار بگیرند. هدف زندگی بندگی است، رسیدن به خدا است. راهش هم فقط همین است: سلیم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم.

جوانی‌تان را قدر بدانید؛ میدان وسیعی در مقابل شما است. ان شاءالله شصت سال دیگر، هفتاد سال دیگر شما در این دنیا حضور خواهید داشت و کار خواهید داشت؛ از این فرصت استفاده کنید؛ برای این فرصت طولانی برنامه‌ریزی کنید؛ برای اینکه برنامه‌ریزی‌تان درست از آب دربیاید فکر کنید؛ برای اینکه درست بتوانید فکر کنید با قرآن آشنا بشوید، قرآن را بخوانید، تأمل کنید، از کسانی که پیش از شما و بیش از شما تأمل کردند یاد بگیرید. یاد گرفتن ننگ نیست، افتخار است؛ همیشه باید یاد بگیریم، تا آخر عمر باید یاد بگیریم. فکر کنید، مطالعه کنید، شناسایی کنید،



آنجایی که اقدام لازم است اقدام کنید. اقدام یک وقت در آزمایشگاه است، یک وقت در کلاس درس است، یک وقت داخل محیط دانشگاه است، یک وقت در محیط اجتماعی است، یک وقت در محیط سیاسی است، یک وقت در راه کرپلا است، یک وقت در راه فلسطین است، یک وقت شعار برای اهداف عالی‌ه‌ی اسلامی است. انقلاب اسلامی این راه را روی ما باز کرد. عزیزان من، جوانهای من! شماها آن روزگار را ندیدید؛ خوشحال باشید که ندیدید. ما دیدیم آن روزگار را؛ روزگار بدی بود، روزگار سختی بود، روزگار سیاهی بود، روزگار یأس بود. انقلاب ورق را برگرداند، انقلاب راه را باز کرد، انقلاب به ما فرصت داد. میتوانیم از این فرصت استفاده کنیم؛ شما میتوانید از این فرصت استفاده کنید. میشود هم استفاده نکرد؛ اگر استفاده نکردیم، خسران است؛ اگر استفاده کردیم، فلاح است: **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ**. (۴) ان شاء الله که موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) آقای میثم مطیعی (ذاکر اهل بیت)

۲) کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۷۶

۳) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱ (با اندکی تفاوت)

۴) سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱